



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۱۰/۱۹

نویسنده: بهادر ا کومار

مترجم: دکتر رسول رحيم

منبع: اندین پنج لاین ۱۵ اکتوبر ۲۰۱۹

## فرجام نا مطلوب اقدامات ایالات متحد امریکا در سوریه

روسیه و ایران بسیار مدیون اردوغان اند گفته می شود که عملیات نظامی ترکیه در شمال سوریه که "بهار صلح" نام دارد، هزار کیلومتر مربع جلو رفته است.

این سناریو که در پشت پرده و از طریق ماهها تبادل نظر و غالباً دیدار یک به یک رهبران روسیه و ترکیه در ارتباط به شمال شرق سوریه مورد توافق قرار گرفته بود، با توافق بین کردها و رژیم اسد داخل مرحله حساسی گردیده است.

ما با یک سناریوی پیچیده سروکار داریم که از یک طرف اردوی ترکیه و واحدهای مخالفان حکومت سوریه که به انفره وفادار اند، به طور بی امانی به لشکر کشی شان به سمت جنوب ادامه می دهند و کنترل شان را در آن مناطق مرزی سوریه گسترش می دهند که کردها در آنجا مسکون اند. بنا به اظهار رئیس جمهور رجب طیب اردوغان یک قلمرو ۱۰۰۰ کیلومتری که قبلاً تحت کنترل کردها بود، "آزاد گردیده" است.

از جانب دیگر، به دنبال توافق با کردها، نخستین ستون نیروهای حکومت سوریه به صوب شمال این کشور به سوی مرز ترکیه حرکت نموده است.

یک برخورد بین نیروهای ترکی و سوریانی اصلاً مورد سوال نیست. موضوع بر سر اینست که چه گونه این بازی راه افتاده است. روز دوشنبه یک اعلامیه وزارت دفاع ترکیه افشا نمود که یاسر گولر فرمانده نظامی آن کشور با همتای روسی اش جنرال والرئ گراسیموف از طریق تیلیفون به تماس بوده و «وضعیت امنیتی در سوریه و انکشافات اخیر» را مورد بحث قرار داده اند.

جزئیات بیشتری انتشار نیافته است اما از تصویری که ظهور نموده است چنین برداشت می شود که روسیه به ترکیه پیشنهاد نموده و ترکیه قبول نموده است که واحدهای روسی بعد از بیرون رفتن نیروهای ایالات متحد امریکا از شمال سوریه، در آن مناطق بین نیروهای ترکی و سوریانی گزمه (گشت) نماید.

در همین ارتباط وزارت دفاع روسیه اظهار داشته است که پولیس نظامی آن کشور در شهر کردنشین منبیج در امتداد مرز سوریه و ترکیه به گزمه (گشت زنی) آغاز نموده و با مقامات ترکی در حال تعامل می باشند. روز دوشنبه نیروهای روسی با نیروهای حکومت سوریه در منبیج داخل شدند.

مهمتر از آن، با میانجیگری روسیه، انقره و دمشق تقسیم مناطق تحت کنترل شان در شمال سوریه را ترجیح می دهند. این بدان معنا است که مسائل وسیعاً در همان مسیر موافقت نامه "آدانا" منعقد سال ۱۹۹۸ بین ترکیه و سوریه سیر می کند. این موافقتنامه در مورد مسئله کردها بود و پیش بینی می نمود که امنیت مرز ترکیه و سوریه یک مساله دو جانبه بین انقره و دمشق می باشد. در چنین اوضاعی الزامات ترکیه مستلزم جلوگیری از ظهور یک کردستان مماس به مرزهایش می باشد. آنچه به اصطلاح "منطقه امن" نامیده می شد برای آن بود تا آن پلانهای ایالات متحد امریکا را در سوریه بی اثر گرداند که می خواست مانند دوران صدام حسین در عراق یک کردستان در سوریه نیز به وجود آورد.

فکر می شود که یک تقارن منافع بین انقره و دمشق در این زمینه وجود داشته باشد. (همچنان منافع مشترکی با دو همسایه اش در این زمینه دارد).

در واقع، این برای دمشق یک مزیت به شمار می رود زیرا "عقب نشینی عمدی" (طوری که پنتاگون مدعی است) یا اخراج سربازان امریکایی در مناطق شمالی سوریه، بر اثر حمله ترکیه، موجب می شود که انقره بخش هایی از

شمال شرقی سوریه را دوباره تصرف کند. به خصوص بخش هایی را متصرف گردد که از منابع آب و ذخایر هایدرو کاربن خوبی برخوردار هستند. اردوی امریکا این مناطق را به حیث حوزه اختصاصی خود قرار داده بود. برای رئیس جمهور بشار اسد، این یک جهش در تحقق وعده هایش برای پس گرفتن کنترل همه سوریه است. دمشق نسبت به هر زمان دیگری قوی تر به نظر می رسد.

اما کردها، جایی برای رفتن ندارند مگر اینکه با دمشق یکجا شوند. صاف و ساده آنها از عهده مقابله با اردوی بسیار حرفه نی ترکیه بر نمی آیند.

بدیهی است که هجوم و حمله تهاجمی ترکیه علیه کردها باعث شده است که ادامه حضور نظامی امریکا در شمال سوریه غیرقابل دفاع باشد و روسیه از این اوضاع برای دستیابی به توافق بین کردها و دمشق استفاده کرده است. روشن است که حمله و لشکر کشی ترکیه علیه کردها تداوم حضور نظامی ایالات متحد امریکا را در شمال سوریه توجیه ناپذیر گردانید و روسیه این وضعیت را تقویت نمود تا توافقی را بین کردها و دمشق به وجود آورد.

روسها با کسب موفقیت در این اقدامات، اعتماد ترکیه را جلب نمودند. جای شگفتی نیست که چرا رئیس جمهور رجب طیب اردوغان در قبال توافق میان کردها و دمشق بی اعتنا است و در برابر حرکات نیروهای سوریه نزدیک به مرزهای ترکیه شانیه هایش را بالا انداخته است. این طفره رفتن ظاهری وی ناشی از اطمینانی است که ولادیمیر پوتین به وی داده است.

در تحلیل نهایی امریکائیهای گزافی برای این هوشیاری شان می پردازند، یعنی از یکسو نیم نگاهی به ترکیه می انداختند، در حالی که به طور روش مندانه ای زمینه را برای تشکیل یک کردستان خود مختار در مرزهای آن کشور تحکیم می بخشیدند، جدا از آن که ملیشه های کردی را مسلح ساخته و آموزش می دادند تا یک اردوی منظم شکل گیرد.

اردوغان ریسمان طولانی ای به امریکائی ها داد تا با آن خود را بیاویزند. هنگامی که او ضربت زد، تضاد در مشی سیاسی امریکا یک شبه معلوم شد. یعنی بازی بالکانی سازی سوریه (تجزیه سوریه) و سرنگونی اسد، معامله فاوست مانند (دار و ندار را در گروه نیل به هدفی قرار دادن) با یک گروه تروریستی که یک هم پیمان ناتو را زخمی ساخته بود و دستور کار جیوپولیتیکی برای برهم زدن محور ایران و سوریه و شامات.

کافی است تا گفته شود که با اخراج نیروهای ایالات متحد امریکا از شمال سوریه، ترکیه به چیزی دسترسی یافتند که روسیه و ایران و دمشق همه آرزوی نیل به آن را داشتند، اما نمی توانستند آن را تحقق بخشند. از همین جاست که روسیه و ایران بر انقره غلبه خواهند نمود تا با دمشق آشتی کند.

غرب با تاخیر فهمید که ترکیه مداخله هشت ساله اش در سوریه برای سرنگونی رژیم اسد را بدون اعلام رسمی پایان داده است. عکس العمل تلخ و گزنده ترامپ و مارک اسپر وزیر دفاع امریکا خود شاهد آنست.

اما تهدید ایالات متحده امریکا مانع اردوغان نمی شود، زیرا شیخ کردستان در مرزهای حاکمیت و تمامیت ارضی ترکیه را تهدید می کند و در تحت چنین تهدیدی هنگامی که امنیت ملی در خطر باشد، چشم اندازی برای سازش وجود نمی داشته باشد. به هر حال افکار عامه داخلی در کل از اردوغان حمایت می کند.

ترکیه به طور غیر عادی در برابر ایالات متحد امریکا شکیبانی نشان می داد و امیدوار بود و اشنگتن بعد از پایان جنگ علیه داعش از حمایت (YPG) یا ملیشه های کرد دست بردارد. ترامپ به اندازه وزارت دفاع و امریکا مسوول شکست اعتماد بین ترکیه و ایالات متحد امریکا نیست. مانند همه موارد مربوط به سیاست خارجی، ترامپ و اشنگتن دو سیاست در مورد سوریه داشتند. یکی سیاست ترامپ و دیگری سیاست دستگاه های (استبلیشمنت) امنیتی و دفاعی ایالات متحد امریکا.

از لحاظ حقوق بین المللی ایالات متحد امریکا کدام حق دعوا برای حضور نظامی دایمی اش در سوریه ندارد و هنگامی که ترامپ نخستین بار اعلام نمود که نیروهایش را از سوریه بیرون می کشد، باید این دستور عملی می شد. اما به عوض آن پنتاگون این تصمیم ترامپ را زیر پا گذاشته، تخفیف داده و سرانجام به کلی نادیده گرفت.

اردوغان می داند که ایالات متحد امریکا های و هوی خشمگینانه ای به راه خواهد انداخت اما با سوریه "نورمال جدید" عادت می کند. غربیها هیچ گونه بهانه ای نخواهند داشت، زیرا روسیه هرگز اجازه نمی دهد که داعش در سوریه گسترش یابد. گفته می شود که ترامپ به مایک پنس معاون رئیس جمهور وظیفه داده است تا برای رسیدن به "یک راه حل از طریق مذاکره" به ترکیه سفر کند. منظور هرچه باشد، این مقابله با کار انجام یافته ای است که اردوغان به عمل آورده.

پایان